دوفصلنامه تخصصی مؤمنات momenat Two Specialized Semi-annual Journals
Year 1, Issue 1, spring & summer 2026, Serial Number 1 | سال اول ـ شماره اول ـ پیاپی ۱ ـ بهار و تابستان ۱۴۰۵

الگوی قرآنی خانواده تمدن‌ساز برای مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر رسانه و هوش مصنوعی

طیبه زارعی*

چکیده

گسترش شتابان رسانه‌های دیجیتال و هوش مصنوعی، کارکردهای بنیادین خانواده را در حوزه‌های تربیت، انتقال ارزش‌ها، هویت‌سازی، مرجعیت والدین، امنیت روانی و انسجام فرهنگی با چالش‌های نوظهور مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، بازخوانی الگوی خانواده تمدن‌ساز بر پایه قرآن کریم، ضرورتی راهبردی برای تقویت ظرفیت‌های فرهنگی و تربیتی جامعه اسلامی به شمار می‌آید. هدف پژوهش حاضر، بازسازی الگوی مفهومی خانواده تمدن‌ساز در قرآن کریم و تبیین سازوکارهای آن برای مواجهه فعال، اخلاق‌مدار و هوشمندانه با اقتضائات عصر رسانه و هوش مصنوعی است. این پژوهش از نظر هدف، بنیادی و از حیث روش، کیفی با رویکرد توصیفی ـ تحلیلی و مبتنی بر تحلیل موضوعی قرآن کریم انجام شد. داده‌ها از طریق تحلیل هدفمند آیات مرتبط با خانواده، زوجیت، تربیت، هویت، مسئولیت، کرامت انسانی و مناسبات اجتماعی گردآوری و با تحلیل مفهومی و مقایسه‌ای سازمان‌دهی شدند. یافته‌ها نشان داد که الگوی خانواده تمدن‌ساز در قرآن، نظامی شبکه‌ای و چندلایه است که هفت کارکرد بنیادین شامل زوجیت و تکامل انسانی، آرامش و مودت، تربیت و انتقال ارزش‌ها، هویت‌بخشی، صیانت اخلاقی و خودنظارتی، استمرار نسل و تمدن‌سازی را در قالب یک فرایند پیوسته به یکدیگر پیوند می‌دهد. بر این اساس، خانواده نه صرفاً نهادی عاطفی، بلکه کانون تولید سرمایه انسانی، فرهنگی و اخلاقی جامعه است. همچنین، یافته‌ها نشان می‌دهد که مواجهه قرآنی با فناوری‌های نوین بر طرد فناوری استوار نیست، بلکه بر بهره‌گیری هدایت‌شده از ظرفیت‌های رسانه و هوش مصنوعی، تقویت سواد رسانه‌ای و سواد هوش مصنوعی، ارتقای مرجعیت تربیتی والدین، صیانت از حریم خصوصی، مدیریت اخلاقی داده‌ها، خودنظارتی و تولید و مصرف

---

* دانشیار گروه معارف، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران. tayebeh.zareie@iau.ac.ir

(تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۴/۰۸؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۲۲)

❐ زارعی، طیبه (۱۴۰۵). الگوی قرآنی خانواده تمدن‌ساز برای مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر رسانه و هوش مصنوعی، *دوفصلنامه تخصصی مؤمنات*، ۱ (۱)، ۲۹ـ۵۶.

مسئولانه محتوای دیجیتال تأکید دارد. نوآوری پژوهش در ارائه نخستین الگوی مفهومی قرآن‌بنیاد از خانواده تمدن‌ساز در قالب یک مدل شبکه‌ای و فرایندی است که نسبت میان کارکردهای درونی خانواده و پیامدهای تمدنی آن را تبیین کرده و چارچوبی نظری برای سیاست‌گذاری فرهنگی، برنامه‌های تربیتی، آموزش خانواده و طراحی مداخلات متناسب با عصر هوش مصنوعی فراهم می‌سازد.

واژگان کلیدی

خانواده تمدن‌ساز، قرآن کریم، تمدن نوین اسلامی، هوش مصنوعی، رسانه‌های دیجیتال.

مقدمه

خانواده، بنیادی‌ترین نهاد اجتماعی و نخستین بستر شکل‌گیری شخصیت، هویت، اخلاق و فرهنگ انسان است؛ نهادی که افزون بر ایفای کارکردهای زیستی و عاطفی، مسئولیت انتقال ارزش‌ها، بازتولید سرمایه فرهنگی، جامعه‌پذیری نسل‌ها و حفظ انسجام اجتماعی را بر عهده دارد. بخش قابل‌توجهی از مطالعات جامعه‌شناختی و روان‌شناختی نیز نشان داده‌اند که کیفیت روابط خانوادگی، یکی از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر سلامت روان، شکل‌گیری هویت، موفقیت تحصیلی، مسئولیت‌پذیری اجتماعی و سرمایه اجتماعی جوامع است (والش[1]، ۲۰۱۶؛ برانفن‌برنر[2]، ۱۹۷۹). ازاین‌رو، بسیاری از نظریه‌پردازان توسعه و تمدن، خانواده را نه صرفاً یک واحد خصوصی، بلکه زیرساخت اصلی پایداری فرهنگی و استمرار تمدن‌ها دانسته‌اند (والش، ۲۰۱۶).

با وجود این جایگاه بنیادین، خانواده معاصر با تحولات گسترده‌ای روبه‌رو شده است. گسترش رسانه‌های دیجیتال، توسعه شبکه‌های اجتماعی، نفوذ هوش مصنوعی در عرصه‌های آموزشی، ارتباطی و تصمیم‌گیری، تغییر الگوهای ارتباطی، تقویت فردگرایی، کاهش تعاملات چهره‌به‌چهره و دگرگونی نظام ارزش‌ها، بسیاری از کارکردهای سنتی خانواده را با چالش مواجه ساخته است. در چنین شرایطی، مسئله اصلی تنها تغییر ابزارهای ارتباطی نیست، بلکه دگرگونی در شیوه انتقال ارزش‌ها، مرجعیت تربیتی والدین، الگوهای هویت‌یابی فرزندان و کیفیت روابط خانوادگی است؛ تحولاتی که پیامدهای آن در حوزه‌های اخلاق، تربیت، فرهنگ، جمعیت و حتی امنیت فرهنگی جامعه قابل مشاهده است (توئنگ[3] و همکاران، ۲۰۱۸؛ یونسکو[4]، ۲۰۲۳).

از منظر نظری نیز خانواده را نمی‌توان صرفاً مجموعه‌ای از روابط خویشاوندی یا نهادی برای ارضای نیازهای عاطفی دانست. خانواده نظامی چندبعدی است که ساحت‌های زیستی، روان‌شناختی، اخلاقی، تربیتی، اقتصادی و فرهنگی را در تعامل با یکدیگر سامان می‌دهد. در اندیشه اسلامی، خانواده نخستین مدرسه توحید، اخلاق، مسئولیت‌پذیری، کرامت انسانی و مشارکت اجتماعی به‌شمار می‌آید و سلامت

1. Walsh
2. Bronfenbrenner
3. Twenge
4. UNESCO

جامعه، تا حد زیادی، به کیفیت کارکردهای این نهاد وابسته است. ازاین‌رو، هرگونه اختلال در کارکردهای خانواده، صرفاً یک آسیب فردی یا خانوادگی تلقی نمی‌شود، بلکه به تضعیف سرمایه فرهنگی و زیرساخت‌های تمدنی جامعه می‌انجامد. بر همین اساس، پژوهش‌های جدید، بیش از آسیب‌شناسی صرف، بر بازشناسی کارکردهای بنیادین خانواده و بازسازی ظرفیت‌های آن در مواجهه با تحولات نوین تأکید دارند.

در این میان، مفهوم «خانواده تمدن‌ساز» افقی فراتر از رویکردهای رایج به خانواده می‌گشاید. در این تلقی، خانواده تنها محل شکل‌گیری روابط عاطفی یا تنظیم مناسبات زوجین نیست، بلکه نخستین کانون تولید سرمایه انسانی، سرمایه فرهنگی و اخلاق عمومی محسوب می‌شود؛ نهادی که شهروندان آینده، سبک زندگی، الگوهای مشارکت اجتماعی و منش تمدنی در آن شکل می‌گیرد. حقیقی (۱۴۰۳) با تحلیل کارکردهای متعالی خانواده نشان می‌دهد که همه کارکردهای اساسی خانواده، از زوجیت و فرزندآوری گرفته تا تربیت، هویت‌بخشی، نظارت اجتماعی و آرامش روانی، در نهایت به کارکرد کلان تمدن‌سازی منتهی می‌شوند و هرگونه اختلال در این کارکردها، به فرسایش تدریجی سرمایه اجتماعی و تضعیف بنیان‌های تمدنی جامعه خواهد انجامید.

اهمیت این مسئله در چارچوب نظریه تمدن نوین اسلامی دوچندان می‌شود. تحقق تمدن نوین اسلامی، نیازمند تربیت انسان‌هایی برخوردار از ایمان، عقلانیت، اخلاق، مسئولیت‌پذیری، علم و روحیه مشارکت اجتماعی است؛ ویژگی‌هایی که شکل‌گیری اولیه آن‌ها در محیط خانواده رخ می‌دهد. محمدی‌پویا و ترکاشوند (۱۳۹۹) با تبیین مؤلفه‌های تمدن نوین اسلامی، نقش تربیت مبتنی بر معنویت، عدالت، عقلانیت، اخلاق و پیشرفت را در تحقق این تمدن برجسته ساخته‌اند. از این منظر، خانواده نخستین نهاد تولیدکننده سرمایه انسانی تمدنی است و ارزش‌هایی که بعدها در سطح جامعه و تمدن ظهور می‌یابد، ابتدا در قالب الگوهای تربیتی، عادات اخلاقی و سبک زندگی خانوادگی شکل می‌گیرد.

از سوی دیگر، قرآن کریم نیز خانواده را صرفاً نهادی زیستی یا عاطفی معرفی نمی‌کند، بلکه آن را یکی از مهم‌ترین بسترهای تحقق رسالت الهی انسان می‌داند .بستری برای آرامش، عدالت وتربیت فرزندان. مطالعه قصص قرآنی نشان می‌دهد که خانواده، کانون پرورش ایمان، صبر، عدالت، مسئولیت،

عفو، کرامت و مدیریت اجتماعی است. نادی، فلاح‌زاده و الویری (۱۴۰۳) با تحلیل سوره یوسف﵇ نشان داده‌اند که آموزه‌های این سوره، راهبردهایی تمدنی در حوزه تربیت خانواده، مدیریت اجتماعی و حکمرانی اخلاقی ارائه می‌کند؛ راهبردهایی که نشان می‌دهد پیوند خانواده و تمدن، در منطق قرآن، رابطه‌ای ساختاری و بنیادین است، نه صرفاً اخلاقی یا توصیه‌ای.

در امتداد همین رویکرد، پژوهش‌های مرتبط با خانواده مهدوی (زرین‌کلاه و میری، ۱۴۰۵)، جایگاه زن در تمدن اسلامی (کاظمیان سورکی و همکاران، ۱۴۰۴) و رشد اخلاقی خانواده در پرتو بیانیه گام دوم انقلاب (شهریاری، ۱۴۰۲)، هر یک بخشی از ابعاد تمدنی خانواده را تبیین کرده‌اند. با وجود ارزش علمی این مطالعات، عمده آن‌ها بر یکی از ابعاد معرفتی، اخلاقی، تربیتی یا اجتماعی خانواده تمرکز داشته‌اند و کمتر کوشیده‌اند الگویی جامع از خانواده تمدن‌ساز را با تکیه مستقیم بر منظومه مفهومی قرآن کریم و در نسبت با چالش‌های نوپدید عصر رسانه و هوش مصنوعی بازسازی کنند. همچنین، در اغلب این پژوهش‌ها، ظرفیت آموزه‌های قرآنی برای هدایت مواجهه خانواده با فناوری‌های هوشمند، سواد رسانه‌ای، حریم خصوصی دیجیتال، مرجعیت تربیتی والدین و مدیریت اخلاقی زیست‌بوم دیجیتال، به‌صورت نظام‌مند بررسی نشده است.

بر همین اساس، خلأ اصلی ادبیات موجود، فقدان الگویی مفهومی است که بتواند مبانی قرآنی خانواده را با اقتضائات فرهنگی، تربیتی و اخلاقی عصر هوش مصنوعی در یک چارچوب منسجم تلفیق کند. پژوهش حاضر درصدد است این خلأ را با بهره‌گیری از تحلیل موضوعی آیات قرآن کریم جبران کند و الگوی «خانواده تمدن‌ساز» را به‌عنوان چارچوبی نظری برای تبیین سازوکارهای مقاومت فرهنگی، بازتولید هویت، ارتقای مرجعیت تربیتی، مدیریت هوشمند رسانه و صیانت از کرامت انسانی در زیست‌بوم دیجیتال بازسازی نماید. نوآوری این پژوهش در آن است که خانواده را نه صرفاً نهادی اخلاقی یا تربیتی، بلکه مهم‌ترین زیرساخت تمدن‌سازی فرهنگی در عصر رسانه و هوش مصنوعی معرفی کرده و برای نخستین‌بار، مؤلفه‌های این الگو را در قالب یک منظومه قرآنی منسجم و قابل‌کاربست در حوزه‌های خانواده، تعلیم‌وتربیت، مشاوره و سیاست‌گذاری فرهنگی صورت‌بندی می‌کند.

روش پژوهش

پژوهش حاضر از نظر هدف، بنیادی و از حیث ماهیت، کیفی است که با بهره‌گیری از تحلیل مضمون[1] بازتابی و و رویکرد تفسیر موضوعی قرآن کریم انجام شد. انتخاب این روش با هدف استخراج و بازسازی الگوی مفهومی «خانواده تمدن‌ساز» از مجموعه آیات مرتبط با خانواده و تبیین دلالت‌های آن در مواجهه با تحولات فرهنگی، رسانه‌ای و فناوری‌های نوین صورت گرفت (براون و کلارک[2]، ۲۰۲۲؛ بوون[3]، ۲۰۰۹). در این رویکرد، آیات قرآن واحد اصلی تحلیل و تفاسیر و منابع علمی مرتبط، منابع پشتیبان برای تبیین و اعتبارسنجی دلالت‌های آیات در نظر گرفته شدند.

جامعه پژوهش را تمامی آیات قرآن کریم مرتبط با خانواده، زوجیت، تربیت، فرزندپروری، مسئولیت‌پذیری، کرامت انسانی، حریم خصوصی، روابط خانوادگی، هویت، اخلاق، ولایت، مشورت، عدالت، امر به معروف، صیانت فرهنگی و سایر مفاهیم مرتبط با خانواده تشکیل می‌دهد. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند[4] انجام شد و آیات بر اساس سه معیار انتخاب شدند: ارتباط مستقیم با کارکردهای خانواده؛ برخورداری از دلالت تربیتی، اخلاقی، فرهنگی یا تمدنی؛ و ظرفیت تبیین نقش خانواده در مواجهه با تحولات فرهنگی و فناوری‌های نوین. آیات هم‌پوشان پس از مقایسه مفهومی ادغام و آیات دارای بیشترین ظرفیت تحلیلی برای کدگذاری انتخاب شدند. برای افزایش اعتبار تفسیری، از تفاسیر معتبر شیعه و اهل‌سنت، از جمله المیزان (طباطبایی، ۱۴۱۷ق)، مجمع‌البیان (طبرسی، ۱۴۱۵ق)، تفسیر نمونه (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶)، التحریر و التنویر (ابن عاشور، ۱۹۸۴) و مفاتیح الغیب (فخررازی، ۱۴۲۰ق) استفاده شد.

همچنین، در مرحله تبیین و مقایسه یافته‌ها، از مطالعات علمی مرتبط با خانواده، فرزندپروری، رسانه‌های دیجیتال، میانجی‌گری والدین و پیامدهای فناوری‌های نوین بهره گرفته شد. برای نمونه، پژوهش‌های مروری جدید نشان داده‌اند که فرزندپروری دیجیتال شامل میانجی‌گری والدین، الگوی استفاده از فناوری و نقش‌آفرینی والدین در تنظیم تجربه دیجیتال فرزندان است و می‌تواند بر رفتار آنلاین،

1. Thematic Analysis
2. Braun & Clarke
3. Bowen
4. Purposeful Sampling

بهزیستی و سواد دیجیتال آنان اثرگذار باشد(تن[1] و همکاران، ۲۰۲۴) همچنین، مرورهای نظام‌مند بر نقش خانواده در استفاده از رسانه‌های اجتماعی و پیامدهای آن بر سلامت روان نوجوانان، بر اهمیت نظارت، گفت‌وگو و میانجی‌گری والدین تأکید کرده‌اند (ووسن[2] و همکاران، ۲۰۲۴؛ لیو[3]، ۲۰۲۴).

تحلیل داده‌ها بر اساس شش مرحله تحلیل مضمون بازتابی براون و کلارک (۲۰۲۲) انجام شد: آشنایی با داده‌ها، تولید کدهای اولیه، ساخت مضامین اولیه، بازبینی مضامین، تعریف و نام‌گذاری مضامین و تولید گزارش نهایی. در مرحله نهایی، مضامین نه به‌صورت فهرستی از موضوعات آیات، بلکه بر اساس روابط مفهومی میان آنها بازسازی شدند. به این ترتیب، از میان کدهای اولیه، هفت مضمون اصلی شامل زوجیت و تکامل انسانی، آرامش و مودت و رحمت، تربیت و انتقال ارزش‌ها، هویت‌بخشی، صیانت اخلاقی و کنترل اجتماعی، استمرار نسل و جمعیت و تمدن‌سازی شکل گرفت. هر مضمون با بازگشت مجدد به آیات، مقایسه تفاسیر و بررسی شواهد علمی مرتبط ارزیابی شد تا از اتکای مضامین به شواهد متنی و تفسیری اطمینان حاصل شود.

بنابراین، فرایند تحلیل صرفاً به استخراج موضوعات مشترک از آیات محدود نبود، بلکه شامل سه سطح کدگذاری متنی، مقایسه تفسیری و بازسازی مفهومی بود. در سطح نخست، مفاهیم صریح و ضمنی آیات استخراج شد؛ در سطح دوم، برداشت‌های تفسیری مختلف مقایسه و نقاط اشتراک و تمایز آنها شناسایی شد؛ و در سطح سوم، مضامین در ارتباط با یکدیگر و در نسبت با مسئله خانواده در شرایط معاصر تفسیر شدند. از این طریق، الگوی «خانواده تمدن‌ساز» به‌عنوان حاصل ارتباط میان کارکردهای زوجیتی، عاطفی، تربیتی، هویتی، اخلاقی، نسلی و تمدنی خانواده بازسازی شد.

برای تضمین اعتمادپذیری یافته‌ها، از معیارهای چهارگانه (لینکلن و گوبا[4]، ۱۹۸۵) استفاده شد. اعتبار[5] از طریق مراجعه هم‌زمان به آیات، مقایسه تفاسیر معتبر و تطبیق مستمر کدها با متن قرآن تأمین شد.

---

1. Tan
2. Vossen
3. Liu
4. Lincoln & Guba
5. Credibility

اتکاپذیری[1] با ثبت دقیق مراحل تحلیل و امکان پیگیری فرایند استخراج مضامین افزایش یافت. تأییدپذیری[2] با استناد مستقیم تحلیل‌ها به متن آیات و شواهد تفسیری و پرهیز از برداشت‌های ذوقی حاصل شد. انتقال‌پذیری[3] نیز از طریق ارائه توصیف غنی از فرایند تحلیل و تبیین دقیق مضامین فراهم گردید تا امکان بهره‌گیری از مدل در پژوهش‌های مشابه وجود داشته باشد.

ملاحظات اخلاقی

پژوهش حاضر مبتنی بر تحلیل اسناد و متون منتشرشده است؛ ازاین‌رو، مداخله‌ای بر روی مشارکت‌کنندگان انسانی انجام نشده است. با این حال، تمامی اصول اخلاق پژوهش شامل امانت‌داری علمی، استناد دقیق به منابع، پرهیز از تحریف مفاهیم قرآنی، استفاده از تفاسیر معتبر و رعایت حقوق پدیدآورندگان آثار به‌طور کامل رعایت شده است.

یافته‌های پژوهش

بررسی نظام‌مند آیات قرآن کریم و تطبیق دلالت‌های آنها در تفاسیر منتخب نشان داد که خانواده در منطق قرآن صرفاً نهادی زیستی، حقوقی یا عاطفی نیست؛ بلکه نظامی تربیتی، هویت بخش، اخلاق آفرین و تمدن پرداز است. این دریافت به صورت پراکنده و تنها از یک آیه به دست نیامده است؛ بلکه بازگشت مکرر مضامین زوجیت و تکامل انسانی (روم: ۲۱)، تربیت و انتقال ارزش‌ها (لقمان: ۱۳ و ۱۷؛ تحریم: ۶)، هویت و سرمایه اجتماعی (حجرات: ۱۳) و استمرار نسل و تمدنسازی (فرقان: ۷۴) در چند سوره و تفاسیر منتج، این الگو را بازتولید و اطمینانپذیر ساخته است.

تحلیل داده‌های پژوهش، هفت مضمون اصلی را آشکار ساخت که ساختار مفهومی «خانواده تمدن‌ساز» را شکل می‌دهند: زوجیت و تکامل انسانی، آرامش و مودت، تربیت و انتقال ارزش‌ها، هویت‌بخشی، صیانت اخلاقی و کنترل اجتماعی، استمرار نسل و جمعیت و تمدن‌سازی. این مضامین در کنار یکدیگر، الگویی نظام‌مند را ترسیم می‌کنند که در آن خانواده از سطح روابط درون‌خانوادگی فراتر

1. Dependability
2. Confirmability
3. Transferability

رفته و به هسته تولید سرمایه انسانی، سرمایه اخلاقی و سرمایه فرهنگی جامعه تبدیل می‌شود. بر همین اساس، خانواده قرآنی می‌تواند در عصر رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی، ضمن بهره‌گیری هوشمندانه از ظرفیت‌های فناوری، از هویت فرهنگی، انسجام اخلاقی و مرجعیت تربیتی خود نیز صیانت کند.

جدول ۱. مضامین اصلی، مؤلفه‌ها، مسائل کارکردی و نمونه ارجاع قرآنی

مضمون اصلی	مؤلفه‌های محوری	نقش و شاخص کنشگری زن	مسئله کارکردی در وضعیت آسیب‌دیده	نمونه ارجاع قرآنی
زوجیت و تکامل انسانی	همسری، مکمل‌بودن، مسئولیت متقابل، پیوند اخلاقی	همسری متعهد و مکمل در ایجاد قوام؛ حفظ کرامت و حل تعارضات با صبر و حکمت	بحران زوجیت، تعارض نقش‌ها، تضعیف قوام خانواده	«وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُم مِّنْ أَنفُسِكُمْ أَزْوَاجًا...»؛ روم، ۲۱
آرامش، مودت و رحمت	سکون روانی، محبت، رحمت، امنیت عاطفی	کانون سکینه عاطفی و معنوی؛ تقویت انس و مقابله با سردی ارتباطی عصر رسانه	اضطراب خانوادگی، خشونت، سردی عاطفی، گسست	«لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً...»؛ روم، ۲۱
تربیت و انتقال ارزش‌ها	تربیت دینی، اخلاقی، عقلانی و اجتماعی	نخستین مربی توحید و بصیرت؛ پرورش فرزندان با سواد رسانه‌ای و مقاومت فکری	بحران تربیت، گسست نسلی، کاهش سرمایه اخلاقی	«يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ...»؛ لقمان، ۱۷
هویت‌بخشی	هویت دینی، خانوادگی، جنسیتی و ملی	انتقال‌دهنده هویت فرهنگی و دینی؛ تقویت تعلق ایمانی در برابر هجمه‌های معنایی	بحران هویت، بی‌ریشگی، تزلزل نقش‌های خانوادگی	«يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُم...»؛ حجرات، ۱۳
صیانت اخلاقی و کنترل اجتماعی	عفاف، حیا، نظارت درونی، مراقبت متقابل	حریم‌دار دیجیتال و مراقب اخلاقی؛ مدیریت فضای	رهاشدگی اخلاقی، بی‌تفاوتی، کاهش نظارت خانوادگی	«قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا»؛ تحریم، ۶

مضمون اصلی	مؤلفه‌های محوری	نقش و شاخص کنشگری زن	مسئله کارکردی در وضعیت آسیب‌دیده	نمونه ارجاع قرآنی
		مجازی و آموزش عفاف کاربردی		
استمرار نسل و جمعیت	فرزندآوری، بقای نسل، پرورش نسل صالح	محور مادری و نسل صالح؛ ترویج فرزندآوری مؤمنانه توأم با حفظ کرامت اجتماعی	بحران پیری جمعیت، تقلیل نقش مادری، انقطاع نسلی	«وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُم مِّنْ أَزْوَاجِكُم بَنِينَ...»؛ نحل، ۷۲
تمدن‌سازی	انسان صالح، اخلاق عمومی، سرمایه اجتماعی	کنشگر پیشران تمدنی؛ تولید سرمایه انسانی و حضور سازنده علمی، فرهنگی و اجتماعی	فرسایش اجتماعی، ضعف سرمایه فرهنگی، ایستایی تمدنی	«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا...»؛ فرقان، ۷۴

در این قسمت مضامین اصلی توضیح داده شده است که افزون بر استخراج مضامین، تحلیل موضوعی آیات نشان داد که این هفت مضمون در زنجیرهای علّی و به هم پیوسته با یکدیگر قرار دارند؛ به گونه‌ای که سلامت هر کارکرد، پیش شرط کارکردِ پسین است و اختلال در هر حلقه، زنجیره کارکردهای خانوادگی را به سوی افول اخلاقی و فرهنگی سوق می‌دهد. این رابطه ساختاری از مقایسه تطبیقی مضامین با یکدیگر و بازگشت به دلالت‌های آیات به دست آمد و صرفاً جمع‌بندی محتوای آیات نیست.

۱. زوجیت و تکامل انسانی؛ خانواده به‌مثابه کانون پیوند مکمل

تحلیل آیات مرتبط با زوجیت نشان داد که خانواده در قرآن از یک پیوند صرفاً زیستی فراتر رفته و بر رابطه‌ای مبتنی بر سکون، مودت، رحمت و مسئولیت متقابل استوار است. این مضمون از مقایسه چند دسته از آیات، از جمله روم: ۲۱، نحل: ۷۲ و نساء: ۱، به دست آمد. در آیه ۲۱ سوره روم، غایت زوجیت با مفاهیم «سکون»، «مودت» و «رحمت» پیوند خورده است؛ در حالی که آیه نخست سوره نساء، منشأ مشترک انسان‌ها و پیوند خانوادگی را مورد توجه قرار می‌دهد و آیه ۷۲ سوره نحل، زوجیت را با استمرار نسل مرتبط می‌سازد. بنابراین، کدهای اولیه‌ای مانند »پیوند زوجی»، «سکون»، «مودت»، «رحمت»، «مسئولیت

متقابل» و «استمرار پیوند خانوادگی «در فرایند تحلیل در یک مجموعه مفهومی قرار گرفتند.

در تفسیر المیزان، تأکید آیه روم بر سکون و مودت نشان می‌دهد که رابطه زوجی صرفاً تأمین‌کننده نیاز زیستی نیست، بلکه زمینه آرامش و پیوند عاطفی انسان را فراهم می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). مجمع‌البیان نیز «مودت» و «رحمت» را از مؤلفه‌های اساسی رابطه زوجین می‌داند و تفسیر نمونه بر نقش این دو مؤلفه در استحکام روابط خانوادگی تأکید می‌کند (طبرسی، ۱۴۱۵ق؛ مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶). مقایسه این دلالت‌های تفسیری نشان داد که زوجیت در منطق قرآنی، یک رابطه چندبعدی و مولد است که ظرفیت ایجاد آرامش، تربیت، تداوم نسل و در نهایت شکل‌گیری جامعه صالح را دارد.

این یافته با ادبیات معاصر خانواده نیز قابل مقایسه است. پژوهش‌های مربوط به فرزندپروری دیجیتال نشان می‌دهند که کیفیت تعامل والدین و الگوی ارتباط خانوادگی در محیط دیجیتال، بخشی از کارکرد کلی خانواده را تشکیل می‌دهد و نمی‌توان نقش خانواده را صرفاً به کنترل زمان استفاده از فناوری تقلیل داد (تن و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین، از منظر این پژوهش، استحکام رابطه زوجی، زیرساخت نخستین مقاومت فرهنگی خانواده در برابر گسست‌های ارتباطی و فردگرایی تقویت‌شده در زیست دیجیتال است.

در این فرایند تکاملی، زن مسلمان به‌مثابه همسری متعهد، مکمل و قوام‌بخش پیوند زناشویی ایفای نقش می‌کند و با صیانت از کرامت انسانی خویش و مدیریت حکیمانه تعارضات زناشویی، زیربنای پایداری خانواده را در مواجهه با چالش‌های معاصر تحکیم می‌بخشد.

۲. آرامش، مودت و رحمت؛ خانواده به‌مثابه پناهگاه روانی و اخلاقی

تحلیل مجموعه آیات مرتبط با روابط عاطفی خانواده نشان داد که «آرامش»، «مودت» و «رحمت» از عناصر اساسی کارکرد خانواده در منظومه قرآنی‌اند. این مضمون از مقایسه آیاتی همچون روم: ۲۱، بقره: ۱۸۷، فرقان: ۷۴ و نحل: ۷۲ به دست آمد. در آیه ۲۱ سوره روم، رابطه زوجین با سه مفهوم «سکون»، «مودت» و «رحمت» صورت‌بندی شده است: «لِّتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُم مَّوَدَّةً وَرَحْمَةً». در آیه ۱۸۷ سوره بقره نیز از رابطه زوجین با تعبیر «هُنَّ لِبَاسٌ لَّكُمْ وَأَنتُمْ لِبَاسٌ لَّهُنَّ» یاد شده که بر پوشانندگی، نزدیکی و حمایت متقابل دلالت دارد. همچنین، دعای «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ» در فرقان: ۷۴، مطلوبیت آرامش و رضایت خانوادگی را در پیوند با همسر و فرزند نشان می‌دهد. از این مجموعه، کدهایی

مانند «سکون»، «مودت»، «رحمت»، «امنیت عاطفی»، «پوشانندگی متقابل»، «حمایت خانوادگی» و «قرةالعین بودن خانواده» استخراج و در یک مضمون مفهومی سازمان‌دهی شدند.

بررسی تفسیری این آیات نیز نشان داد که آرامش خانوادگی در قرآن مفهومی صرفاً جسمانی یا عاطفی نیست. علامه طباطبایی در تفسیر آیه ۲۱ سوره روم، «سکون» را در ارتباط با قرار و آرامش یافتن انسان در کنار همسر و «مودت» و «رحمت» را از اسباب پیوند و دوام رابطه زوجین تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). در مجمع‌البیان نیز پیوند میان مودت و رحمت و استحکام رابطه خانوادگی مورد توجه قرار گرفته است (طبرسی، ۱۴۱۵ق). تفسیر نمونه نیز با تأکید بر تفاوت میان «مودت» به‌عنوان محبت و «رحمت» به‌عنوان نوعی گذشت و حمایت در شرایط نیاز، نشان می‌دهد که رابطه خانوادگی در منطق قرآن بر ترکیب محبت و مسئولیت استوار است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶). از سوی دیگر، تعبیر «لباس» در آیه ۱۸۷ بقره، در کنار مفهوم سکون در روم: ۲۱، این دلالت را تقویت می‌کند که رابطه خانوادگی باید کارکرد حمایت، پوشش و تأمین امنیت متقابل داشته باشد.

مقایسه این شواهد نشان داد که «آرامش» در ساختار مفهومی پژوهش، یک مضمون مستقل و منفصل از سایر کارکردهای خانواده نیست، بلکه حلقه‌ای واسط میان زوجیت و کارکردهای تربیتی و اخلاقی خانواده است. به بیان دیگر، کدهای «محبت»، «رحمت»، «امنیت» و «حمایت» پس از مقایسه با مضامین تربیت و صیانت اخلاقی نشان دادند که کیفیت رابطه عاطفی خانواده، زمینه مساعدتری برای انتقال ارزش‌ها و جامعه‌پذیری اخلاقی فراهم می‌کند. این برداشت با ادبیات علمی خانواده نیز همخوان است؛ به‌ویژه در رویکرد بوم‌شناختی، رشد فرد در تعامل میان خانواده و سایر محیط‌های اجتماعی شکل می‌گیرد و کیفیت روابط خانوادگی بخشی از زمینه مؤثر بر رشد فرد است (برانفن‌برنر، ۱۹۷۹). همچنین، پژوهش‌های معاصر درباره فرزندپروری دیجیتال نشان می‌دهند که نقش والدین در محیط دیجیتال صرفاً به محدودسازی فناوری منحصر نیست و کیفیت تعامل و شیوه ارتباط والدین با فرزندان نیز بخشی از فرایند فرزندپروری دیجیتال است(تن و همکاران، ۲۰۲۴). بنابراین، یافته حاضر نشان می‌دهد که آرامش و امنیت عاطفی خانواده می‌تواند زیرساختی برای ایفای مؤثرتر نقش تربیتی خانواده در زیست رسانه‌ای باشد.

بر همین اساس، زن کانون اصلی تولید سکینه و تغذیه عاطفی و روانی خانواده شناخته می‌شود که با

احیای فضای مودت و رحمت، به بازسازی پیوندهای عاطفی در برابر سردی ارتباطی و فردگرایی ناشی از زیست در عصر رسانه و فناوری می‌پردازد.

۳. تربیت و انتقال ارزش‌ها؛ خانواده به‌مثابه نخستین مدرسه انسان

تحلیل آیات مرتبط با تربیت خانوادگی نشان داد که خانواده در قرآن یکی از مهم‌ترین بسترهای شکل‌گیری ایمان، اخلاق، مسئولیت‌پذیری و رفتار اجتماعی انسان است. این مضمون از مقایسه آیاتی همچون لقمان: ۱۳ و ۱۷، تحریم: ۶، طه: ۱۳۲ و بقره: ۲۳۳ استخراج شد. در آیه ۱۳ سوره لقمان، تربیت با اصلاح بنیادهای اعتقادی و پرهیز از شرک آغاز می‌شود: «يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ». در آیه ۱۷ همین سوره، این فرایند به اقامه نماز، امر به معروف، نهی از منکر و صبر امتداد می‌یابد: «يَا بُنَيَّ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنكَرِ وَاصْبِرْ». آیه ۶ تحریم نیز مسئولیت اعضای خانواده نسبت به یکدیگر را با تعبیر «قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» بیان می‌کند و آیه ۱۳۲ طه بر استمرار این مسئولیت تأکید دارد: «وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا». از این مجموعه، کدهایی مانند «تربیت توحیدی»، «تربیت عبادی»، «تربیت اخلاقی»، «مسئولیت تربیتی»، «امر به معروف»، «صبر تربیتی» و «استمرار تربیت» استخراج و در مضمون «تربیت و انتقال ارزش‌ها» ادغام شدند.

در تفسیر المیزان، سیاق آیات لقمان نشان می‌دهد که گفت‌وگوی لقمان با فرزندش، تربیتی مرحله‌ای را از توحید و نگرش صحیح به جهان تا عبادت، اخلاق و رفتار اجتماعی دنبال می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). مجمع‌البیان نیز در تبیین آیات لقمان، بر محتوای اعتقادی و اخلاقی توصیه‌های لقمان به فرزند تأکید دارد (طبرسی، ۱۴۱۵ق). تفسیر نمونه نیز مجموعه این توصیه‌ها را بیانگر ابعاد مختلف تربیت انسان، از اعتقاد و عبادت تا مسئولیت اجتماعی و صبر می‌داند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶). مقایسه این شواهد تفسیری نشان داد که تربیت در قرآن یک اقدام مقطعی یا انتقال ساده اطلاعات دینی نیست؛ بلکه فرایندی پیوسته است که باور، رفتار، اخلاق و مسئولیت اجتماعی را دربرمی‌گیرد.

در سطح تحلیل مضمون، قرار گرفتن آیات لقمان، تحریم و طه در کنار یکدیگر نشان داد که «تربیت» در ساختار خانواده قرآنی دارای دو ویژگی اساسی است: نخست، جامعیت محتوایی و دوم، تداوم و مسئولیت‌پذیری خانوادگی. بنابراین، مضمون تربیت از کنار هم قرار گرفتن یک آیه خاص حاصل نشده،

بلکه از هم‌نشینی چند دسته دلالت قرآنی شکل گرفته است. این یافته با رویکرد بوم‌شناختی رشد نیز قابل مقایسه است که خانواده را یکی از محیط‌های نزدیک و اثرگذار بر فرایند رشد انسان می‌داند (برانفن‌برنر، ۱۹۷۹). در شرایط معاصر، این کارکرد با ورود رسانه و فناوری به زندگی روزمره اهمیت بیشتری می‌یابد؛ زیرا مرور پژوهش‌های مربوط به فرزندپروری دیجیتال نشان می‌دهد که والدین در شکل‌دهی به شیوه استفاده فرزندان از فناوری، از طریق میانجی‌گری، الگوی رفتاری و تنظیم تجربه دیجیتال نقش دارند(تن و همکاران، ۲۰۲۴) بر این اساس، یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که انتقال ارزش‌ها در خانواده تمدن‌ساز باید در زیست رسانه‌ای نیز استمرار یابد و خانواده صرفاً به انتقال ارزش‌های سنتی در محیط غیررسانه‌ای محدود نشود.

جایگاه زن در این ساحت، به‌منزله نخستین مربی توحید، اخلاق و بصیرت متجلی می‌شود؛ نقشی که فراتر از مراقبت زیستی، مسئولیت پرورش عقلانی، تجهیز فرزندان به سواد رسانه‌ای و مصونیت‌بخشی به آنان در برابر امواج فکری نوپدید را بر عهده دارد.

۴. هویت‌بخشی؛ خانواده به‌مثابه خاستگاه تعلق و معنا

تحلیل آیات مرتبط با هویت و پیوندهای انسانی نشان داد که خانواده در شکل‌گیری احساس تعلق، شناخت خویشتن و نسبت فرد با دیگران نقش بنیادی دارد. این مضمون از مقایسه آیاتی همچون حجرات: ۱۳، نساء: ۱، روم: ۲۲ و فرقان: ۷۴ به دست آمد. آیه ۱۳ سوره حجرات با اشاره به آفرینش انسان‌ها از «ذَكَرٍ وَأُنثَى» و شکل‌گیری «شُعُوبًا وَقَبَائِلَ»، غایت این تفاوت‌ها را «لِتَعَارَفُوا» معرفی می‌کند. آیه نخست سوره نساء نیز همه انسان‌ها را به منشأ واحد انسانی بازمی‌گرداند و بر پیوند میان افراد تأکید می‌کند. آیه ۲۲ سوره روم، تفاوت زبان‌ها و رنگ‌ها را از نشانه‌های الهی می‌داند و آیه ۷۴ فرقان، خانواده و ذریه را در قالب «قرةالعین» و افق «امامت متقین» قرار می‌دهد. بر اساس مقایسه این آیات، کدهایی همچون «منشأ مشترک»، «نسب و تعلق»، «شناخت متقابل»، «تنوع انسانی»، «کرامت»، «تعلق خانوادگی» و «هویت اجتماعی» استخراج و در مضمون هویت‌بخشی سازمان‌دهی شد.

بررسی تفاسیر نشان داد که آیه ۱۳ حجرات صرفاً بیان‌کننده تفاوت‌های قومی و اجتماعی نیست، بلکه تفاوت‌های انسانی را در چارچوب شناخت متقابل و نفی برتری‌جویی قرار می‌دهد. طباطبایی در تفسیر

این آیه، تفاوت در شعب و قبایل را وسیله‌ای برای شناسایی و تمایز اجتماعی، نه ملاکی برای برتری انسان‌ها، تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). ابن‌عاشور نیز بر کارکرد اجتماعی تعارف و شناخت متقابل در تنظیم روابط انسانی تأکید دارد (ابن‌عاشور، ۱۹۸۴). در تفسیر نمونه نیز «شعوب و قبائل» در ارتباط با شناخت و تنظیم روابط اجتماعی تفسیر شده و بر نفی ارزش‌گذاری انسان بر اساس تعلقات ظاهری تأکید می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶). همچنین، پیوند آیه ۲۲ روم با نشانه‌های الهی نشان می‌دهد که تفاوت‌های انسانی در منطق قرآن بخشی از نظم آفرینش و زمینه تعامل و شناخت است.

مقایسه این شواهد نشان داد که هویت در این پژوهش به معنای صرفاً «برچسب اجتماعی» نیست، بلکه شبکه‌ای از تعلق‌ها و معناهاست که فرد را به خانواده، جامعه و نظام ارزشی خود پیوند می‌دهد. خانواده از این منظر، یکی از نخستین محیط‌هایی است که فرد در آن نسبت خود با دیگران، ارزش‌ها و تعلقات اجتماعی را تجربه می‌کند. این برداشت با رویکرد بوم‌شناختی نیز قابل توضیح است؛ زیرا رشد و شکل‌گیری فرد در تعامل میان محیط نزدیک خانواده و زمینه‌های گسترده‌تر اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد (برانفن‌برنر، ۱۹۷۹). در زیست رسانه‌ای، این کارکرد با چالش بیشتری مواجه می‌شود؛ زیرا رسانه‌ها امکان مواجهه مستمر با الگوها و ارزش‌های متنوع را فراهم می‌کنند. گزارش یونسکو نیز بر این نکته تأکید دارد که فناوری آموزشی و دیجیتال، در کنار فرصت‌ها، می‌تواند پیامدهای اجتماعی و تربیتی متفاوتی داشته باشد و نحوه استفاده از آن باید با اهداف تربیتی و انسانی هماهنگ باشد(یونسکو، ۲۰۲۳). بنابراین، یافته پژوهش نشان می‌دهد که خانواده تمدن‌ساز در مواجهه با زیست دیجیتال، به جای انکار جهان معاصر، باید نقش خود را در ایجاد پیوند میان هویت خانوادگی، ارزش‌های دینی و تجربه‌های جدید اجتماعی حفظ و بازتعریف کند.

زن مسلمان در جایگاه انتقال‌دهنده مؤلفه‌های هویتی، نماد پیوند نسلی با میراث ایمانی، فرهنگی و ملی است و با تقویت پیوندهای معنایی و تعلق‌خاطر خانوادگی، نقشی بنیادین در مهار بحران هویت و حفظ اصالت فرهنگی در عصر تبادلات جهانی ایفا می‌نماید.

۵. صیانت اخلاقی و کنترل اجتماعی؛ خانواده به‌مثابه نظام مراقبت درونی

تحلیل مجموعه آیات مرتبط با مسئولیت اخلاقی و مراقبت خانوادگی نشان داد که خانواده در منظومه قرآنی

علاوه بر کارکرد عاطفی و تربیتی، دارای کارکرد حفاظتی و اخلاقی نیز هست. این مضمون از مقایسه آیاتی همچون تحریم: ۶، نور: ۳۰ و ۳۱، مائده: ۲ و اسراء: ۳۲ استخراج شد. در آیه ۶ سوره تحریم، مسئولیت نسبت به خویشتن و خانواده با فرمان «قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا» بیان شده است. آیات ۳۰ و ۳۱ سوره نور نیز بر کنترل نگاه و صیانت جنسی و اخلاقی تأکید دارند و آیه ۲ مائده بر تعاون در نیکی و تقوا فرمان می‌دهد. همچنین، نهی از نزدیک شدن به زنا در اسراء: ۳۲ نشان می‌دهد که صیانت اخلاقی در قرآن تنها به رفتار فردی محدود نیست و در چارچوبی گسترده‌تر از نظم اخلاقی جامعه قرار می‌گیرد. بر اساس این شواهد، کدهای «مسئولیت اخلاقی»، «مراقبت خانوادگی»، «خویشتن‌داری»، «عفاف»، «حیا»، «تعاون اخلاقی» و «پیشگیری از آسیب» استخراج و در یک مضمون اصلی قرار گرفتند.

در تفسیر آیه ۶ تحریم، طباطبایی مسئولیت انسان نسبت به «اهل» را در چارچوب هدایت و مراقبت دینی آنان تبیین می‌کند و نشان می‌دهد که مسئولیت ایمانی فرد در محدوده شخصی او متوقف نمی‌شود (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). مجمع‌البیان نیز این آیه را ناظر بر مسئولیت انسان در هدایت و مراقبت از خانواده می‌داند (طبرسی، ۱۴۱۵ق). در تفسیر نمونه نیز مفهوم «قُوا» صرفاً به معنای مراقبت فیزیکی نیست، بلکه تعلیم، تربیت و فراهم کردن زمینه دوری خانواده از عوامل انحراف را شامل می‌شود (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶). مقایسه این تفاسیر با آیات نور و مائده نشان داد که صیانت اخلاقی در قرآن بر ترکیب «مسئولیت فردی» و «مسئولیت متقابل» استوار است؛ ازاین‌رو، کنترل اخلاقی در این چارچوب به معنای سلطه بر اعضای خانواده نیست، بلکه به معنای مراقبت و مسئولیت‌پذیری نسبت به خیر اخلاقی آنان است.

در مرحله تحلیل مضمون، هم‌نشینی آیات تحریم، نور و مائده نشان داد که صیانت اخلاقی دارای سه سطح به‌هم‌پیوسته است: خویشتن‌داری فردی، مراقبت خانوادگی و مسئولیت اجتماعی. همین پیوند، دلیل قرار گرفتن این آیات در یک مضمون واحد بود. این یافته در شرایط رسانه‌ای اهمیت بیشتری پیدا می‌کند؛ زیرا بخشی از مواجهه اخلاقی افراد، به‌ویژه نسل جوان، در محیط‌های دیجیتال رخ می‌دهد. پژوهش ووسن و همکاران (۲۰۲۴) در مرور نظام‌مند خود نشان می‌دهد که فرایندهای والدگری و شیوه‌های تعامل والدین با استفاده فرزندان از شبکه‌های اجتماعی با استفاده مسئله‌زا از این رسانه‌ها ارتباط دارد. همچنین، تن و همکاران (۲۰۲۴) بر نقش میانجی‌گری والدین و الگوی رفتاری آنان در فرزندپروری دیجیتال تأکید

کرده‌اند. بنابراین، یافته حاضر نشان می‌دهد که «صیانت اخلاقی» در خانواده تمدن‌ساز معاصر را می‌توان به‌صورت توسعه‌یافته، شامل توانایی خانواده برای هدایت اخلاقی و مسئولانه مواجهه اعضا با محیط رسانه‌ای نیز دانست.

در عرصه صیانت اخلاقی، کنشگری زن در قالب دیده‌بانی آگاهانه و ایجاد سازوکارهای مراقبت درونی متبلور می‌شود؛ امری که از طریق حریم‌داری در زیست دیجیتال، ترویج فرهنگ حیا و عفاف و مدیریت مسئولانه مصرف رسانه‌ای اعضای خانواده تحقق می‌پذیرد.

۶. استمرار نسل و جمعیت؛ خانواده به‌مثابه بستر بقای اجتماعی

تحلیل آیات مرتبط با زوجیت، فرزند و ذریه نشان داد که استمرار نسل یکی از کارکردهای صریح خانواده در قرآن است، اما این استمرار در منظومه قرآنی از افزایش صرف تعداد جمعیت فراتر می‌رود و با تربیت و صلاح نسل آینده پیوند می‌یابد. این مضمون از مقایسه آیاتی همچون نحل: ۷۲، فرقان: ۷۴، بقره: ۲۳۳ و آل‌عمران: ۳۸ استخراج شد. در آیه ۷۲ نحل، پس از اشاره به آفرینش همسران، از «بَنِينَ وَحَفَدَةً» سخن گفته می‌شود. در فرقان: ۷۴، فرزندان در قالب دعای «قُرَّةَ أَعْيُنٍ» و در پیوند با «إِمَامًا لِّلْمُتَّقِينَ» مطرح می‌شوند. آیه ۲۳۳ بقره نیز درباره شیردهی و مسئولیت والدین نسبت به فرزند سخن می‌گوید و آیه ۳۸ آل‌عمران، درخواست فرزند صالح را در دعای زکریا﵇ بازتاب می‌دهد. بنابراین، کدهای «فرزندآوری»، «استمرار نسل»، «ذریه»، «نوادگان»، «مسئولیت والدینی»، «تربیت نسل صالح» و «آینده‌نگری» در یک مجموعه مفهومی سازمان‌دهی شدند.

در تفسیر المیزان، آیه ۷۲ نحل، پیوند میان زوجیت و پیدایش فرزندان و نوادگان را در چارچوب نعمت‌های الهی مورد توجه قرار می‌دهد (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). مجمع‌البیان نیز در تبیین این آیه، فرزندان و نوادگان را در امتداد نظام خانوادگی و استمرار نسل مورد توجه قرار می‌دهد (طبرسی، ۱۴۱۵ق). در تفسیر نمونه نیز آیه فرقان: ۷۴ نشان می‌دهد که مطلوبیت خانواده و فرزند در قرآن با «قرةالعین» بودن آنان و قرار گرفتن در مسیر تقوا و صلاح همراه است (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶). از مقایسه این شواهد تفسیری می‌توان دریافت که مفهوم نسل در قرآن صرفاً کمّی نیست؛ بلکه کیفیت تربیت و صلاح نسل نیز در ارزش‌گذاری آن نقش دارد.

در مرحله تحلیل مضمون، قرار گرفتن آیات نحل: ۷۲، فرقان: ۷۴، بقره: ۲۳۳ و آل‌عمران: ۳۸ در کنار یکدیگر نشان داد که استمرار نسل در ساختار مفهومی پژوهش از سه مؤلفه به‌هم‌پیوسته تشکیل می‌شود: پدیدآمدن نسل، مسئولیت نسبت به نسل و تربیت نسل صالح. ازاین‌رو، «استمرار نسل» به‌عنوان یک مضمون مستقل، در ارتباط مستقیم با دو مضمون «زوجیت» و «تربیت» قرار گرفت و به‌عنوان حلقه انتقال کارکرد خانواده از سطح فردی به سطح اجتماعی شناسایی شد. بر این اساس، مسئله جمعیت در این پژوهش صرفاً به افزایش یا کاهش عددی جمعیت فروکاسته نمی‌شود؛ بلکه از منظر قرآنی، آینده اجتماعی با کیفیت نسلی که خانواده پرورش می‌دهد نیز ارتباط دارد. این نتیجه با رویکرد بوم‌شناختی رشد که فرایند رشد انسان را در تعامل با خانواده و محیط‌های اجتماعی گسترده‌تر تحلیل می‌کند، قابل مقایسه است (برانفن‌برنر، ۱۹۷۹). همچنین، والش (۲۰۱۶) بر اهمیت ظرفیت خانواده برای سازگاری، حمایت متقابل و انتقال منابع و توانمندی‌ها میان نسل‌ها تأکید دارد؛ بنابراین، در چارچوب پژوهش حاضر، استمرار نسل زمانی به کارکرد تمدنی تبدیل می‌شود که با انتقال سرمایه‌های اخلاقی و تربیتی همراه باشد.

این کارکرد با محوریت مادری زن در پیوند قرار می‌گیرد؛ مادری آگاه که مسئله جمعیت و فرزندآوری را نه یک امر کمّی و بیولوژیک صرف، بلکه فرصتی تمدنی برای بازتولید کیفی نسل مؤمن و صالح در تراز پیشرفت جامعه اسلامی قرار می‌دهد.

۷. تمدن‌سازی؛ خانواده به‌مثابه هسته نخست جامعه صالح

هفتمین و جامع‌ترین مضمون از مقایسه و ارتباط میان شش مضمون پیشین به دست آمد و از این جهت، بیش از سایر مضامین ماهیت ترکیبی و برآمده از تحلیل دارد. بررسی مجموعه آیات مرتبط با خانواده، تربیت، اخلاق، نسل و مسئولیت اجتماعی نشان داد که کارکرد خانواده در قرآن را نمی‌توان صرفاً در سطح روابط خصوصی اعضای آن محدود کرد. آیات فرقان: ۷۴، بقره: ۲۳۳، تحریم: ۶، آل‌عمران: ۱۰۴ و مائده: ۲، هنگامی که در کنار مضامین زوجیت، آرامش، تربیت، هویت، صیانت اخلاقی و استمرار نسل قرار گرفتند، مجموعه‌ای از کدهای «انسان صالح»، «تربیت اخلاقی»، «مسئولیت اجتماعی»، «تعاون»، «امر به معروف»، «انتقال ارزش‌ها»، «نسل صالح» و «پیشوایی اخلاقی» را آشکار کردند. بنابراین، مضمون «تمدن‌سازی» مستقیماً از یک آیه استخراج نشد، بلکه از مقایسه و ترکیب روابط مفهومی میان مضامین پیشین بازسازی شد.

در این میان، آیه ۷۴ سوره فرقان اهمیت محوری دارد: «رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا». این آیه رابطه میان خانواده مطلوب و افق اجتماعی ـ اخلاقی را به‌صورت هم‌زمان نشان می‌دهد. طباطبایی در تفسیر این آیه، دعای «قرةالعین» را در پیوند با صلاح همسر و فرزند و «امامت متقین» را در افق پیشوایی در مسیر تقوا تبیین می‌کند (طباطبایی، ۱۴۱۷ق). فخررازی نیز در تفسیر این آیه، پیوند میان صلاح خانواده و درخواست قرار گرفتن در جایگاه الگو و پیشوایی برای اهل تقوا را مورد توجه قرار می‌دهد (فخررازی، ۱۴۲۰ق). تفسیر نمونه نیز این آیه را از نشانه‌های خانواده مطلوبی می‌داند که اعضای آن در مسیر ایمان و صلاح حرکت کرده و می‌توانند برای جامعه نقش مثبت ایفا کنند (مکارم شیرازی و همکاران، ۱۳۸۶). بنابراین، مقایسه تفاسیر نشان داد که افق خانواده در این آیه از «رضایت خانوادگی» به «اثرگذاری اجتماعی و اخلاقی» امتداد پیدا می‌کند.

در مرحله نهایی تحلیل مضمون، رابطه میان شش مضمون پیشین نیز بررسی شد. نتیجه این مقایسه نشان داد که زوجیت زمینه شکل‌گیری خانواده را فراهم می‌کند؛ آرامش و مودت، کیفیت رابطه درون خانواده را تثبیت می‌کند؛ تربیت، ارزش‌ها و شایستگی‌های اخلاقی را به نسل بعد منتقل می‌سازد؛ هویت، احساس تعلق و معنا را شکل می‌دهد؛ صیانت اخلاقی از این سرمایه‌ها مراقبت می‌کند؛ و استمرار نسل، امکان انتقال آنها به نسل آینده را فراهم می‌آورد. از برهم‌کنش این شش کارکرد، مضمون هفتم یعنی «تمدن‌سازی» شکل گرفت. بنابراین، تمدن‌سازی در این پژوهش یک کارکرد مستقل و منفصل از سایر کارکردها نیست، بلکه مضمون برآمده و سطح عالی‌تر شبکه کارکردهای خانواده است.

این برداشت با پژوهش‌های معاصر داخلی نیز هم‌جهت است. حقیقی (۱۴۰۳) خانواده را در نسبت با تمدن‌سازی، نهادی اساسی در شکل‌گیری ظرفیت‌های انسانی و اجتماعی معرفی می‌کند. همچنین، شهریاری (۱۴۰۲) بر نقش رشد اخلاقی خانواده در تحقق خانواده تراز تمدن نوین اسلامی تأکید دارد و محمدی‌پویا و ترکاشوند (۱۳۹۹) نیز تربیت را از مؤلفه‌های زمینه‌ساز تحقق تمدن نوین اسلامی می‌دانند. نادی، فلاح‌زاده و الویری (۱۴۰۳) نیز در بررسی راهبردهای تمدن‌ساز قرآن، بر ظرفیت آموزه‌های قرآنی برای شکل‌دهی به رفتارها و مناسبات اجتماعی تأکید کرده‌اند. در نتیجه، یافته حاضر با قرار دادن این شواهد در کنار داده‌های قرآنی، نشان می‌دهد که «تمدن‌سازی» در الگوی خانواده تمدن‌ساز از مسیر تولید مستقیم ساختارهای سیاسی یا اقتصادی محقق نمی‌شود، بلکه از مسیر پرورش انسان، انتقال ارزش، ایجاد مسئولیت

اخلاقی، حفظ پیوندهای نسلی و تبدیل سرمایه خانوادگی به سرمایه اجتماعی و فرهنگی صورت می‌گیرد.

از این منظر، مواجهه خانواده با رسانه و هوش مصنوعی نیز باید در امتداد همین کارکرد فهم شود. فناوری به خودی خود نه عامل فروپاشی خانواده است و نه ضامن تمدن‌سازی؛ بلکه پیامد آن تا حد زیادی به نحوه ادغام فناوری در روابط، تربیت، هویت و نظام ارزشی خانواده وابسته است. گزارش یونسکو درباره فناوری در آموزش نیز بر ضرورت توجه به شرایط، اهداف و پیامدهای استفاده از فناوری تأکید می‌کند(یونسکو، ۲۰۲۳). بنابراین، برآیند نهایی تحلیل نشان داد که خانواده تمدن‌ساز، خانواده‌ای نیست که صرفاً در برابر فناوری مقاومت کند؛ بلکه خانواده‌ای است که با حفظ زوجیت، آرامش، تربیت، هویت، صیانت اخلاقی و استمرار نسل، ظرفیت هدایت و استفاده مسئولانه از فناوری‌های نوین را در خدمت رشد انسان و جامعه به کار می‌گیرد.

برآیند نهایی این شبکه کارکردی نشان می‌دهد که زن مسلمان با تجمیع نقش‌های درونی و حضور سازنده، علمی و فرهنگی در عرصه عمومی، به کنشگری پیشران در تولید سرمایه‌های انسانی، اخلاقی و اجتماعی بدل شده و تحقق عینی تمدن نوین اسلامی را از بستر خانواده امکان‌پذیر می‌سازد.

بر اساس مضامین استخراج‌شده، مدل مفهومی پژوهش را می‌توان به صورت زیر ارائه نمود.



شکل ۱. مقاومت خانواده با محوریت زن مقاوم مسلمان و پیشرفت تمدنی

مدل مفهومی بازطراحی‌شده نشان می‌دهد که خانواده تمدن‌ساز در منطق قرآن کریم، نظامی چندسطحی، پویا و به‌هم‌پیوسته است که با محوریت کنشگری زن مسلمان در تمام لایه‌ها هدایت می‌شود. این نظام از مبانی وجودی پیوند خانوادگی، یعنی زوجیت، مودت، رحمت و سکینه آغاز شده و با نقش‌آفرینی همسرانه و مادری، از طریق کارکردهای بنیادین شامل تربیت توحیدی، هویت‌بخشی، صیانت اخلاقی، مسئولیت‌پذیری و استمرار نسل صالح، به تولید سرمایه‌های چهارگانه انسانی، فرهنگی، اخلاقی و اجتماعی می‌انجامد. برآیند این فرایند نظام‌مند، شکل‌گیری ظرفیت تمدن‌سازی است که در زیست‌بوم معاصر و در مواجهه با پیامدهای رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی، در قالب ارتقای سواد رسانه‌ای خانوادگی، تقویت مرجعیت تربیتی والدین، صیانت از حریم خصوصی، پایبندی به اخلاق هوش مصنوعی و حفظ هویت فرهنگی متبلور می‌شود. از این منظر، خانواده قرآنی نه صرفاً یک نهاد اجتماعی منفعل، بلکه کانون راهبردی کنشگری، پیشرفت و زیربنای اصلی تحقق تمدن نوین اسلامی محسوب می‌گردد.

نتیجه‌گیری

هدف این پژوهش، بازسازی الگوی مفهومی خانواده تمدن‌ساز بر پایه آموزه‌های قرآن کریم و تبیین سازوکارهای کارکردی آن در مواجهه با چالش‌های فرهنگی عصر رسانه و هوش مصنوعی بود. یافته‌ها نشان داد که قرآن کریم خانواده را صرفاً نهادی برای پاسخ‌گویی به نیازهای زیستی، عاطفی یا حقوقی نمی‌داند، بلکه آن را نخستین بستر تولید سرمایه انسانی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی معرفی می‌کند؛ بستری که استمرار حیات تمدنی جامعه به کیفیت عملکرد آن وابسته است. از این منظر، خانواده در منظومه معرفتی قرآن، نهادی فرایندی و چندلایه است که از زوجیت آغاز می‌شود، در آرامش و تربیت استحکام می‌یابد، از طریق هویت‌بخشی و صیانت اخلاقی گسترش پیدا می‌کند و در نهایت به تولید انسان صالح و شکل‌گیری تمدن منتهی می‌شود.

مهم‌ترین دستاورد نظری پژوهش حاضر آن است که کارکردهای خانواده را نه به‌صورت مجموعه‌ای از وظایف مستقل، بلکه به‌عنوان یک نظام درهم‌تنیده و شبکه‌ای بازسازی می‌کند. تحلیل مضامین نشان داد که رابطه میان زوجیت، آرامش، تربیت، هویت، اخلاق، جمعیت و تمدن‌سازی رابطه‌ای خطی نیست،

بلکه هر یک پیش‌شرط و تقویت‌کننده دیگری است. بر این اساس، اختلال در هر کارکرد، پیامدهایی زنجیره‌ای در سایر کارکردها ایجاد می‌کند؛ به‌گونه‌ای که بحران زوجیت می‌تواند به تضعیف تربیت، کاهش سرمایه اخلاقی، اختلال در هویت نسل جدید و در نهایت کاهش ظرفیت تمدن‌سازی جامعه بینجامد. این تبیین، خانواده را از سطح یک نهاد اجتماعی به سطح یک نظام تولیدکننده سرمایه تمدنی ارتقا می‌دهد.

یافته‌های پژوهش همچنین نشان می‌دهد که در عصر رسانه‌های نوین و هوش مصنوعی، مسئله اصلی خانواده، صرف حضور فناوری نیست، بلکه چگونگی حفظ مرجعیت تربیتی و هدایت فرهنگی در مواجهه با فناوری است. در منطق قرآن، مقاومت فرهنگی به معنای انزوا یا نفی فناوری نیست؛ بلکه به معنای تقویت ظرفیت خانواده برای مدیریت آگاهانه جریان اطلاعات، صیانت از هویت، تنظیم روابط اخلاقی و تربیت انسان مسئول در فضای دیجیتال است. ازاین‌رو، خانواده تمدن‌ساز می‌تواند ضمن بهره‌گیری از ظرفیت‌های آموزشی و ارتباطی هوش مصنوعی، از فروکاست روابط انسانی به تعاملات فناورانه جلوگیری کرده و پیوند میان فناوری، اخلاق و معنویت را حفظ کند.

یافته‌های این پژوهش با نتایج پژوهش حقیقی (۱۴۰۳) درباره کارکرد تمدن‌ساز خانواده همسو است؛ با این تفاوت که پژوهش حاضر، برای نخستین‌بار این کارکردها را در قالب یک مدل مفهومی شبکه‌ای و فرایندی بازسازی می‌کند و ارتباط علّی میان زوجیت، تربیت، اخلاق، هویت و تمدن‌سازی را نشان می‌دهد. همچنین، نتایج پژوهش با یافته‌های محمدی‌پویا و ترکاشوند (۱۳۹۹) درباره الزامات تحقق تمدن نوین اسلامی هماهنگ است؛ زیرا هر دو بر نقش محوری تربیت، معنویت، اخلاق و مسئولیت‌پذیری تأکید دارند، اما پژوهش حاضر نشان می‌دهد که خاستگاه اولیه این مؤلفه‌ها، خانواده است، نه صرفاً نهادهای آموزشی یا اجتماعی. همچنین، یافته‌های این مطالعه با پژوهش نادی و همکاران (۱۴۰۳) درباره ظرفیت تمدنی سوره یوسف، پژوهش شهریاری (۱۴۰۲) درباره مبانی اخلاق خانواده، پژوهش زرین‌کلاه و میری (۱۴۰۵) درباره خانواده مهدوی و پژوهش کاظمیان سورکی و همکاران (۱۴۰۴) درباره نقش زنان در تمدن‌سازی همسو است؛ اما تفاوت اساسی پژوهش حاضر در آن است که این مطالعات عمدتاً هر یک بر یکی از ابعاد خانواده تمرکز داشته‌اند، در حالی که پژوهش حاضر با تلفیق این ابعاد، الگویی منسجم برای تبیین کارکرد تمدنی خانواده ارائه می‌دهد. در سطح بین‌المللی نیز نتایج این پژوهش با یافته‌های والش

(۲۰۲۱) درباره تاب‌آوری خانواده و نقش آن در حفظ انسجام و سازگاری در شرایط متحول اجتماعی همخوانی دارد، اما از آن فراتر رفته و بنیان این تاب‌آوری را در منظومه ارزشی و تربیتی قرآن جست‌وجو می‌کند. همچنین، پژوهش حاضر با نتایج لیو و همکاران (۲۰۲۴) درباره تأثیر فناوری‌های هوش مصنوعی بر الگوهای ارتباطی و فرایندهای تربیتی خانواده نیز همسو است؛ با این تفاوت که به‌جای تمرکز بر پیامدهای فناورانه، چارچوبی هنجاری و تمدنی برای مدیریت این تحولات ارائه می‌دهد. بنابراین، نوآوری پژوهش حاضر در ایجاد پیوند میان مطالعات خانواده، مطالعات تمدنی، آموزه‌های قرآنی و ادبیات نوظهور هوش مصنوعی است. همچنین یافته‌های قرآنی این پژوهش با منابع علمی همچون والش (۲۰۲۱) درباره تاب آوری خانواده و لیو و همکاران (۲۰۲۴) درباره تأثیر هوش مصنوعی بر الگوهای ارتباطی و فرایندهای تربیتی خانواده هم‌راستا است. این هم‌راستایی نشان می‌دهد الگوی قرآنی استخراج شده، نه بازسازی انتزاعی، بلکه گفتوگوپذیر با ادبیات معاصر خانواده و فضای دیجیتال است.

پیامدهای نظری پژوهش

از منظر نظری، این پژوهش مفهوم «خانواده تمدن‌ساز» را از سطح یک ایده هنجاری به سطح یک مدل مفهومی قابل تحلیل ارتقا می‌دهد. مدل ارائه‌شده نشان می‌دهد که می‌توان رابطه میان زوجیت، تربیت، هویت، اخلاق و تمدن را در قالب یک نظام تحلیلی بازسازی کرد و از این رهگذر، ادبیات مطالعات خانواده در حوزه علوم قرآن، علوم تربیتی، مشاوره و جامعه‌شناسی خانواده را به یکدیگر نزدیک ساخت. این مدل همچنین ظرفیت آن را دارد که مبنای توسعه نظریه‌های بومی خانواده در چارچوب روان‌شناسی اسلامی و مطالعات تمدنی قرار گیرد.

پیامدهای کاربردی پژوهش

از منظر کاربردی، یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که تقویت خانواده در عصر رسانه و هوش مصنوعی، صرفاً مستلزم کنترل فناوری نیست، بلکه نیازمند بازسازی مرجعیت تربیتی خانواده، ارتقای سواد رسانه‌ای، آموزش اخلاق دیجیتال، تقویت مهارت‌های ارتباطی زوجین، صیانت از حریم خصوصی و تربیت مسئولانه فرزندان است. ازاین‌رو، مدل مفهومی استخراج‌شده می‌تواند مبنای طراحی برنامه‌های آموزش خانواده، بسته‌های مشاوره پیش از ازدواج، برنامه‌های تحکیم خانواده، سیاست‌های فرهنگی و اسناد

راهبردی مرتبط با خانواده و همچنین چارچوبی برای تدوین الگوهای بومی «اخلاق خانواده در عصر هوش مصنوعی» باشد.

نوآوری پژوهش

نوآوری اصلی این پژوهش در سه سطح قابل تبیین است: نخست، بازسازی مفهوم خانواده تمدن‌ساز بر پایه تحلیل نظام‌مند آیات قرآن کریم؛ دوم، ارائه مدل مفهومی شبکه‌ای و فرایندی که ارتباط میان هفت کارکرد بنیادین خانواده را تبیین می‌کند؛ و سوم، پیوند دادن این مدل با اقتضائات عصر رسانه و هوش مصنوعی و ارائه چارچوبی بومی برای مقاومت فرهنگی، ارتقای سواد رسانه‌ای و حفظ هویت دینی و فرهنگی خانواده. این ویژگی، پژوهش حاضر را از مطالعاتی که صرفاً به توصیف کارکردهای خانواده یا آسیب‌شناسی آن پرداخته‌اند، متمایز می‌سازد.

محدودیت‌های پژوهش

این پژوهش، به دلیل ماهیت توصیفی–تحلیلی و اتکا بر تحلیل اسنادی، به آزمون تجربی مدل مفهومی در میان خانواده‌ها نپرداخته است؛ ازاین‌رو، اعتبار بیرونی مدل نیازمند بررسی در مطالعات میدانی است. البته با وجود بهره‌گیری دقیق از تفاسیر معتبر شیعه و اهل‌سنت (المیزان، مجمع‌البیان، التحریر و التنویر، مفاتیح‌الغیب)، عدم حضور مستقیم یک متخصص علوم قرآن و حدیث در فرایند کدگذاری و تحلیل مضامین از محدودیت‌های این پژوهش است که در پژوهش‌های آتی قابل جبران می‌باشد. همچنین، با توجه به ماهیت تخصصی تفسیر و تحلیل موضوعی آیات، عدم مشارکت مستقیم متخصص علوم قرآن و حدیث در فرایند تحلیل را می‌توان از محدودیت‌های پژوهش دانست. ازاین‌رو، بررسی و اعتبارسنجی مدل پیشنهادی توسط متخصصان این حوزه در پژوهش‌های آینده می‌تواند به افزایش دقت تفسیری و اعتبار علمی آن کمک کند. علاوه بر این، تمرکز پژوهش بر آیات قرآن کریم و تفاسیر معتبر بوده و اگرچه از منابع تفسیری متنوع استفاده شده است، اما تحلیل تطبیقی با سایر سنت‌های دینی، الگوهای خانواده در فرهنگ‌های مختلف و مطالعات بین‌فرهنگی در دامنه این پژوهش قرار نداشت. افزون بر این، سرعت تحولات رسانه‌ای و فناوری‌های هوش مصنوعی اقتضا می‌کند که یافته‌های این حوزه به‌طور مستمر بازبینی و به‌روزرسانی شوند.

پیشنهادهای پژوهشی و کاربردی

پیشنهاد می‌شود پژوهش‌های آینده، مدل مفهومی ارائه‌شده را از طریق مطالعات کمّی، کیفی و آمیخته در میان خانواده‌های ایرانی اعتبارسنجی کنند و روابط میان مؤلفه‌های مدل را با استفاده از روش‌هایی مانند مدل‌یابی معادلات ساختاری یا نظریه داده‌بنیاد بررسی نمایند. همچنین، طراحی و ارزیابی اثربخشی بسته‌های آموزشی و مداخلات مشاوره‌ای مبتنی بر این الگو، به‌ویژه در حوزه سواد رسانه‌ای، اخلاق هوش مصنوعی، تربیت دیجیتال و تحکیم خانواده، می‌تواند گامی مؤثر در تبدیل این مدل مفهومی به یک الگوی اجرایی و سیاست‌پذیر برای نظام خانواده در جمهوری اسلامی ایران باشد.

منابع

قرآن کریم.

ابن عاشور، محمد طاهر .(۱۹۸۴). التحریر والتنویر (۳۰ جلد). تونس: الدار التونسیة للنشر.

حقیقی، محمدمحسن . (۱۴۰۳). تمدن سازی به مثابه اصلی ترین کارکرد نهاد اجتماعی خانواده .مطالعات میان رشته‌ای تمدنی انقلاب اسلامی، ۳(۹). ۱۳۱-۱۶۶.

https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.29808901.1403.3.9.6.3

زرین کلاه، نصرالله و میری، سیدمحمدحسین . (۱۴۰۵). ضرورت‌ها و الزامات تحقق خانواده مهدوی تراز تمدن نوین اسلامی. نشریه علمی تخصصی فقهی و حقوقی عرشیان فارس، ۵(۱۷). ۶۲-۷۲.

https://dor.isc.ac/dor/20.1001.1.28210611.1405.5.17.4.1

شهریاری، روح الله . (۱۴۰۲). مبانی و اصول رشد اخلاقی خانواده تراز تمدن نوین اسلامی از منظر بیانیهٔ گام دوم انقلاب. مطالعات سیاسی تمدن نوین اسلامی، ۳(۵). ۲۱۳-۲۳۱.

https://doi.org/10.22034/rcdir.2023.189771

طباطبایی، سید محمدحسین. (۱۴۱۷ق). المیزان فی تفسیر القرآن (۲۰ جلد). قم: دفتر انتشارات اسلامی جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.

طبرسی، فضل بن حسن. (۱۴۱۵ق). مجمع البیان فی تفسیر القرآن (۱۰ جلد). تهران: انتشارات ناصر خسرو.

فخر رازی، محمد بن عمر. (۱۴۲۰ق). مفاتیح الغیب (التفسیر الکبیر) (۳۲ جلد). بیروت: دار إحیاء التراث العربی.

کاظمیان سورکی، سلمان؛ نصراللهی، فرشته و دیلمی معزی، امین . (۱۴۰۴). نقش زنان در تمدن سازی نوین اسلامی از دیدگاه آیت الله شهید سیدمحمد حسینی بهشتی. پژوهش‌های معاصر انقلاب اسلامی، ۸(۲۷). ۴۷-۷۴.

https://doi.org/10.22059/jcrir.2025.396384.1716

محمدی پویا، فرامرز، و ترکاشوند، سینا. (۱۳۹۹). تربیت زمینه ساز تمدن نوین اسلامی با تاکید بر اندیشه مقام معظم رهبری (مدظله العالی). پژوهش در مسائل تعلیم و تربیت اسلامی، ۲۸ (دوره جدید)(۴۶)، ۱۰۳-۱۲۴.

https://sid.ir/paper/389054/fa

مکارم شیرازی، ناصر، و همکاران .(۱۳۸۶). تفسیر نمونه (۲۷ جلد). تهران: دارالکتب الإسلامیة.

نادی، مهدی؛ فلاح زاده، سیدحسین و الویری، محسن . (۱۴۰۳). راهبردهای تمدن‌ساز قرآن کریم با تأکید بر سورهٔ یوسف (ع) .فصلنامه قرآن، فرهنگ و تمدن، ۵(۲). ۱۰۴-۱۳۱.

https://doi.org/10.22034/jksl.2024.399354.1214

Bowen, G. A. (2009). Document Analysis as a Qualitative Research Method. Qualitative Research Journal, 9(2), 27–40.

https://doi.org/10.3316/QRJ0902027

Braun, V., & Clarke, V. (2022). Thematic Analysis: A Practical Guide. SAGE Publications.

Bronfenbrenner, U. (1979). The ecology of human development: Experiments by nature and design. Harvard University Press.

https://books.google.com/books?id=OCmbzWka6xUC

Liu, X., Liu, J., Flores, D. D., & McDonald, C. C. (2024). Family factors related to adolescent screen media use and mental health outcomes: A systematic review and recommendation for practices. Journal of Adolescence, 96(7), 1401–1427.

https://doi.org/10.1002/jad.12367

Lincoln, Y. S., & Guba, E. G. (1985). Naturalistic Inquiry. Beverly Hills, CA: SAGE. ISBN: 0-8039-2431-3.

Tan, C. Y., Pan, Q., Tao, S., Liang, Q., Lan, M., Feng, S., Cheung, H. S., & Liu, D. (2024). Conceptualization, measurement, predictors, outcomes, and interventions in digital parenting research: A comprehensive umbrella review. Educational Research Review, 45, 100647.

https://doi.org/10.1016/j.edurev.2024.100647.

Twenge, J. M., Martin, G. N., & Campbell, W. K. (2018). Decreases in psychological well-being among American adolescents after 2012 and links to screen time during the rise of smartphone technology. Emotion, 18(6), 765–780.

https://doi.org/10.1037/emo0000403

UNESCO. (2023). Global Education Monitoring Report 2023: Technology in education – A tool on whose terms?

https://www.unesco.org/gem-report/en/technology

Vossen, H. G. M., van den Eijnden, R. J. J. M., Visser, I., & Koning, I. M. (2024). Parenting and problematic social media use: A systematic review. Current Addiction Reports, 11, 511–527.

https://doi.org/10.1007/s40429-024-00559-x

Walsh, F. (2016). Strengthening family resilience (3rd ed.). Guilford Press.

https://www.guilford.com/books/Strengthening-Family-Resilience/Froma-Walsh/9781462529601.